

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

The Palestine Chronicle

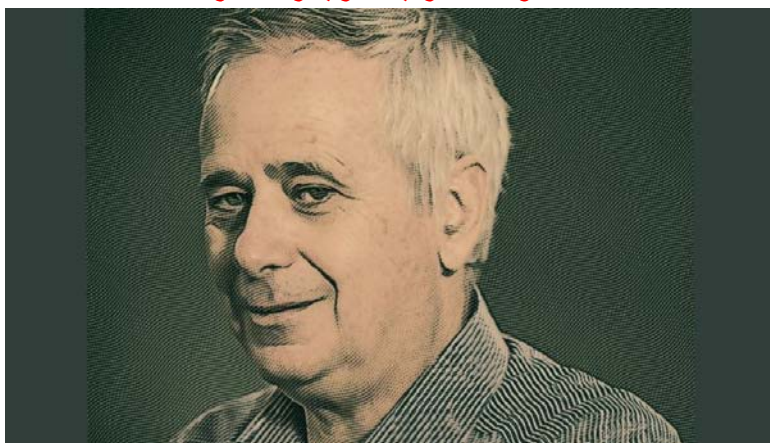
ایلان پایه*

برگردان: مجله جنوب جهانی

فرستنده: طاهر باختری

۲۳ اپریل ۲۰۲۵

درباره «وحشت اخلاقی» و ارزش سخن گفتن: سکوت غرب درباره غزه



* - ایلان پایه مؤرخ و فعال سوسیالیست اسرائیلی است. او استاد تاریخ در دانشکده علوم اجتماعی و مطالعات بین‌الملل دانشگاه اکستر (بریتانیا)، مدیر مرکز اروپائی مطالعات فلسطین و معاون مدیر مرکز مطالعات قومیت سیاسی اکستر است. وی همچنین نویسنده کتاب‌های پرفروش «پاکسازی قومی فلسطین» (Oneworld)، «تاریخ فلسطین مدرن» (Cambridge)، «خاورمیانه مدرن» (Routledge)، «مسأله اسرائیل/فلسطین» (Routledge)، «فلسطینی‌های فراموش‌شده: تاریخ فلسطینی‌ها در اسرائیل» (Yale)، «ایده اسرائیل: تاریخ قدرت و دانش» (Verso) و با همکاری نوام چامسکی، «غزه در بحران: تأملاتی در باب جنگ اسرائیل علیه فلسطینی‌ها» (Penguin) است. او برای نشریاتی چون گاردین و London Review of Books می‌نویسد. در ایکس @pappe54 :

پاسخ‌های جهان غرب به وضعیت نوار غزه و کرانه باختری پرسشی آزردهنده را مطرح می‌کند: چرا غرب رسمی، و به‌ویژه اروپای غربی رسمی، نسبت به رنج فلسطینی‌ها چنین بی‌تفاوت است؟ چرا حزب دموکرات ایالات متحده به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در حفظ بی‌رحمی روزمره در فلسطین همدست است، همدستی که آنقدر آشکار بود که احتمالاً یکی از دلایل شکست آن‌ها در انتخابات بود، زیرا رأی عرب-امریکائی‌ها و

مترقی‌ها در ایالت‌های کلیدی نتوانست و بدرستی هم نتوانست دولت بایدن را به خاطر مشارکتش در نسل‌کشی نوار غزه ببخشد؟

این پرسشی بجاست، با توجه به این که ما با یک نسل‌کشی تلویزیونی روبه رو هستیم که اکنون در میدان تجدید شده است. این وضعیت با دوره‌های قبلی که بی‌تفاوتی و همدستی غرب نشان داده می‌شد، چه در جریان نکبت یا در طول سال‌های طولانی اشغال از سال ۱۹۴۷، متفاوت است. در طول نکبت و تا سال ۱۹۴۷، به دست آوردن اطلاعات آسان نبود، و سرکوب پس از سال ۱۹۴۷ بیشتر تدریجی بود و به همین دلیل توسط رسانه‌ها و سیاست‌های غربی که از پذیرش تأثیر تجمعی آن بر فلسطینی‌ها خودداری می‌کردند، نادیده گرفته می‌شد.

اما این هجده ماه اخیر بسیار متفاوت است. نادیده گرفتن نسل‌کشی در نوار غزه و پاکسازی قومی در کرانه باختری را فقط می‌توان عمدی توصیف کرد نه ناشی از جهل. هم اقدامات اسرائیلی‌ها و هم گفتمان همراه آن برای نادیده گرفته شدن بیش از حد آشکار است، مگر این که سیاستمداران، دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران تصمیم بگیرند که این کار را انجام دهند.

این نوع نادیده گرفتن، پیش از هر چیز، نتیجه موفقیت گروه‌های فشار اسرائیلی است که در زمینه حاصلخیز عقده گناه اروپائی، نژادپرستی و اسلام‌هراسی شکوفا شدند. در مورد ایالات متحده، این همچنین نتیجه سال‌ها ماشین فشار مؤثر و بی‌رحمانه‌ای است که تعداد بسیار کمی در دنیای دانشگاهی، رسانه‌ها و به‌ویژه سیاست جرأت نافرمانی از آن را دارند. این پدیده در پژوهش‌های اخیر به عنوان وحشت اخلاقی شناخته می‌شود، که بسیار مشخصه بخش‌های آگاه‌تر جوامع غربی است: روشنفکران، روزنامه‌نگاران و هنرمندان.

وحشت اخلاقی وضعیتی است که در آن فرد از پایبندی به اعتقادات اخلاقی خود می‌ترسد زیرا این امر مستلزم شهادتی است که ممکن است عواقبی داشته باشد. ما همیشه در موقعیتهایی قرار نمی‌گیریم که نیازمند شجاعت، یا حداقل صداقت باشد. وقتی این اتفاق می‌افتد، در موقعیتهایی است که اخلاق یک ایده انتزاعی نیست، بلکه فراخوانی برای اقدام است.

به همین دلیل بسیاری از آلمانی‌ها وقتی یهودیان به اردوگاه‌های مرگ فرستاده شدند سکوت کردند و به همین دلیل سفیدپوستان امریکائی وقتی افریقائی-امریکائی‌ها لینگ می‌شدند یا قبلاً برده و بدرفتاری می‌دیدند، بی‌تفاوت ماندند.

روزنامه‌نگاران برجسته غربی، سیاستمداران کهنه‌کار، استادان رسمی یا مدیران عامل شرکت‌های مشهور اگر اسرائیل را به ارتکاب نسل‌کشی در نوار غزه متهم کنند، چه هزینه‌ای باید بپردازند؟

به نظر می‌رسد آن‌ها نگران دو پیامد احتمالی هستند. اول، محکوم شدن به عنوان یهودستیز یا انکارکننده هولوکاست، و دوم، آن‌ها می‌ترسند که پاسخ صادقانه‌شان بحثی را برانگیزد که شامل همدستی کشورشان، یا اروپا، یا غرب به‌طور کلی، در اجازه دادن به نسل‌کشی و تمام سیاست‌های جنایتکارانه علیه فلسطینی‌ها که پیش از آن بوده است، باشد. این وحشت اخلاقی منجر به برخی پدیده‌های شگفت‌انگیز می‌شود. به‌طور کلی، افراد تحصیل‌کرده، بسیار فصیح و فهمیده را هنگام صحبت درباره فلسطین به احمق‌های تمام‌عیار تبدیل می‌کند. این امر مانع از آن می‌شود که اعضای بصیر و متفکر سرویس‌های امنیتی خواسته‌های اسرائیل برای گنجاندن کل مقاومت فلسطین در فهرست تروریست‌ها را بررسی کنند و قربانیان فلسطینی را در رسانه‌های اصلی غیرانسانی جلوه می‌دهد.

فقدان شفقت و همبستگی اولیه با قربانیان نسل‌کشی، با ستندردهای دوگانه‌ای که رسانه‌های اصلی غرب، و به‌ویژه روزنامه‌های معتبر ایالات متحده مانند نیویورک تایمز و واشنگتن پست نشان دادند، آشکار شد. هنگامی که دکتر رمزی بارود، مدیر Palestine Chronicle، ۵۶ نفر از اعضای خانواده‌اش را در اثر کارزار نسل‌کشی اسرائیل در نوار غزه از دست داد، حتی یکی از همکاران او در روزنامه‌نگاری امریکائی زحمت صحبت کردن با او را نکشید و هیچ علاقه‌ای به شنیدن روایتی درباره این فاجعه نشان نداد. در مقابل، یک اتهام دروغین اسرائیلی مبنی بر ارتباط Chronicle با خانواده‌ای که در بلوک آپارتمانی آن‌ها گروگان‌هائی بودند، علاقه زیادی را از سوی این رسانه‌ها برانگیخت و توجه آن‌ها را به خود جلب کرد.

این عدم تعادل در انسانیت و همبستگی تنها نمونه‌ای از تحریف‌هائی است که وحشت اخلاقی به همراه دارد. تردیدی ندارم که اقدامات علیه دانشجویان فلسطینی یا طرفدار فلسطین در ایالات متحده، یا علیه فعالان شناخته‌شده در بریتانیا و فرانسه و همچنین بازداشت علی ابونعیمه، مدیر The Electronic Intifada، در سوئیس، همگی مظاهری از این رفتار اخلاقی تحریف‌شده هستند.

بتازگی مورد مشابهی در استرالیا رخ داده است. مری کوستاکیدیس، روزنامه‌نگار مشهور استرالیائی و مجری سابق برنامه پربیننده SBS World News Australia، به دلیل گزارش -باید گفت نسبتاً ملایم- خود درباره وضعیت نوار غزه به دادگاه فرال کشانده شده است. صرف این که دادگاه این اتهام را در بدو ورود رد نکرده است، نشان می‌دهد که وحشت اخلاقی تا چه حد در شمال جهانی ریشه دوانده است.

اما روی دیگری هم وجود دارد. خوشبختانه، گروه بسیار بزرگتری از افراد وجود دارند که از پذیرفتن خطرات ناشی از ابراز آشکار حمایت خود از فلسطینی‌ها نمی‌ترسند و این همبستگی را حتی با علم به این که ممکن است منجر به تعلیق، اخراج یا حتی زندان شود، نشان می‌دهند. یافتن آن‌ها در جریان اصلی دانشگاهی، رسانه‌ای یا سیاسی آسان نیست، اما آن‌ها صدای واقعی جوامع خود در بسیاری از نقاط جهان غرب هستند.

فلسطینی‌ها نمی‌توانند تحمل کنند که وحشت اخلاقی غرب صدا یا تأثیری داشته باشد. تسلیم نشدن در برابر این وحشت، گامی کوچک اما مهم در ایجاد شبکه جهانی فلسطین است که بشدت مورد نیاز است، اولاً برای متوقف کردن تخریب فلسطین و مردم آن، و ثانیاً برای ایجاد شرایط برای یک فلسطین استعمارزدائی‌شده و آزاد در آینده.

۲۲ اپریل ۲۰۲۵